

به چیزی که علم به صحت آن نداری معتقد
 شو، چیزی را که نمیدانی مگو، و کاری را که
 علم بدان نداری مکن.

اسان فطرتاً می خواهد که علم واقعی و
 حقیقی نسبت به امور پیدا کند. انتظار دارد
 هرآنچه از دیگران می شنود پیام صدق باشند و
 هر عملی که دیگران به انجام می رسانند صحیح
 و به تعبیر بهتری علمی باشند. شک و وهم و
 گمان انسان را قانع نمی کنند و اصلاً " به ظن و
 گمان نباید عمل کرد، در این باره فرموده است
 (هجرات ۴۹) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا
 مِّنَ الظَّنِّ، إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری
 گمانها پرهیز کنید، زیرا بعضی از گمانها گناه
 است. بدیهی است ظنی که از آن بایستی
 پرهیز کرد سوء ظن است، والا حسن ظن کار
 ستوده‌ای است.

انسان در صورتیکه فطرت سالم خود را حفظ
 کرده باشد و با غبار و تیرگی گناهان و عناد
 پرده ای بر میدان روشن دید خود نیفکنده
 باشد، به علم صحیحی که داراست عمل می کند
 و اعمال خود را مبتنی بر علم واقعی می کند
 و هرچا خودش علم یقینی نداشته باشد به علما
 مراجعه می کند، و مراجعاتی که افراد بر حسب
 نیازهای مختلف خود به پزشکان، مهندسان
 مراجع مذهبی می کنند نشانه آنستکه جویای
 علم صحیح و عمل براساس علم هستند.

اما مسأله اینستکه آیا همه انسانها به
 الهامات فطرت در همه موارد و شرائط گوش فرا
 می دهند و تسلیم می شوند؟ مشاهدات و
 تجارب حاصل از حشرونشر با افراد، حاکی
 است که انسان ها عموماً " و اکثراً" بسیدون
 محاسبه دقیق هرچه بخواهند می گویند، هر

مسئولیت

میزان احاطه علمی انسان و مسئولیت

آیه مبارکه وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ
 اسراء ۱۷ از متابعت و پیروی کردن آنچه
 ۳۷
 انسان بدان علم ندارد، منع می کند. پس
 انسان مسئول گفتار، تدابیر، ناهمپایندگی
 و اقداماتیست که بعمل می‌آورد و اثر خارجی
 برجای می نهد. و شامل پیروی هر اعتقاد
 غیر علمی و نیز هر عمل غیر علمی می گردد.
 و معنایش چنین می شود: (۱)

آنان اعطاء شده است ، پس از یک یک آنان سؤال می شود که آیا در آنچه بعمل آورده ای علم قابل اعتمادی حاصل کرده ای؟

در رابطه با گوش دستورات و احکام ویژه ای است . از جمله شخص مجاز نیست به غیبت و تهمت گوش بدهد ، یا انسان مکلف است که قول را بشنود و احسن آنها برگزیند ، بعضی اقوال است که با دقت و توجه کامل بآنها بایستی گوش داد ، من جمله خداوند هنگام برگزیدن حضرت موسی به نبوت و رسالت می فرماید :

(طه ۲۰) وَ اَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى .

من ، ترا برگزیدم ، پس به آنچه وحی می - شود گوش فراده .

درباره نظر کردن و موضوعات و اشیائی که بایستی به آنها تگریست دستورات متعددی در قرآن کریم است . بدیهی است نظر کردن یک امر صرفاً حسی و تاءثر بدون ادراک نیست ، بلکه منظور رؤیت کردن برای اندیشیدن و تدبیر و ارتباط آن به علل موجدیه و علت العلیل است از جمله (مائده ۵) اَنْظُرْ كَيْفَ بُيِّنَ لَهُمْ

الْآيَاتِ . ۷۵

بنگر که چطور آیات را برای ایشان بیان می - کنیم ، یا (نمل ۲۷) فَانظُرْ كَيْفَ كَانَتْ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ . ۱۴

بنگر که چگونه بود سرانجام فساد انگیزان .

اینکه انسان قرار باشد ، وضع فساد انگیزان تاریخ گذشته را بنگرد ، دوکونه می تواند بررسی شود ، و مورد عمل و اجرا قرارگیرد .

یکی اینستکه مثلا " بگوید نمرودی در گذشته بوده و حضرت ابراهیم را به آتش افکند موکاری هم از او ساخته نشده است ، بعد هم از دنیا رفته است و بصورت داستانی گفته و شنیده شود

سخنی را می شنود و تحت تاءثیر واقع می شود و به انجام هر عملی که منفعت آنی آنسان را تاءمین کند مبادرت می نمایند . افرادی هستند که در حوزه غیر تخصصی خودشان شغل بسر عهده می گیرند ، طبیعی است که ایسن افراد مخصوصاً " اوائلی که مسئولیتی را خارج از تخصص تقبل می کنند به جامعه زیان می - رسانند (۲)

در جلد ۲۵ المیزان صفحه ۱۶۲ عبارتی بشرح زیر داریم . و در این عبارت کلمه "حرام" قابل توجه است : "در هراعتقاد عملی که ممکن است تحصیل علم نمود پیروی غیر علم حرام است." ۹

مسئولیت حواس

در آیه مورد بحث تصریح شده است که گوش چشم و دل هرکدامشان از کاری که مربوط به آنها است در قیامت مورد سؤال قرار می گیرند . بانوجه به مضمون آیه کریمه دیگری که خداوند در آن می فرماید (روز قیامت) برده آنها مهر می زینم و دستها را به سخن در می آوریم و پاهای بر عمل صاحبشان شهادت می دهند ، و آنچه را که انسان عمل کرده است ، بازگو می کنند ، به این نتیجه می رسیم که هراندامی بطور جداگانه نیز نسبت به کاری که انجام می دهد مسئول است .

چشم و گوش و سایر اندامها و قوای دماغی و ادراکی هرکدام یکی از نعمتهای خداونداند که به انسان ارزانی فرموده است ، تا انسان بوسیله آنها حق را از باطل و خطا را از صواب تشخیص بدهد . بوسیله هرکدام از چشم و گوش و دل انسان قادر است علوم اصلی را اکتساب کند و چون هرکدام توانائی ویژه ای دارند که به

و متقابلاً " بانوانی چون خدیجه کبری و آسیدرا باید مطالعه کرد و بررسی نمود ، و نهایتاً " اسوه والکوی یک انسان رو به کمال و یا نکامل یافته را برکزید و او را معیار و میزان تصمیمات تربیتی و تدابیر زندگی و راهنمای اخلاقی قرار داد . حضرت موسی بعنوان هشدار به قوم خود خاطر نشان می کند **الْمَ یَاتِکُمْ نَبُوۡةَ الدِّیْنِ مِنۡ قَبْلِکُمْ قَوْمٌ نُّوحٌ وَّ عَادٌ وَّ قَوْمٌ** . آیا نیامد خبر آنان که بودند پیش از شما ، قوم نوح و عاد و نمود؟

مسئولیت قلب تفتده است و مقام بلند خود را داراست ، اگر انسانی در همه عمر تجارت کرده و سرمایه داندوخته است و تمام اهتمامش افزودن بر سرمایه بوده است و به غیر از آن بچیژی


و درگوبنده و شونده حتی هیچ حالت انفعالی را هم بر نیانگیزاند .

دیگر اینستکه این حادثه تاریخ را یکداستان کهنه و منتفی شده نیندارد ، بلکه ببیندشد که نمرود یکی از انسانها است و خصائص شخصیتی ویژه ای داشته است و انسانهای نظیر او پس از او بسیار آمده اند ، چه می شود که انسان به اینصورت درمی آید ؟ اینچنین انسان خود خواه چه اثری روی افراد دیگر همزمان خود برجای می نهد؟ افراد در هرزمان در مقابل چنین زورمندانی چه وظیفه و تکلیفی دارند؟

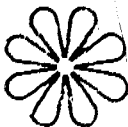
آنگاه به بررسی شخصیت حضرت ابراهیم بردازد . عقیده و طرز فکر و روش عملی و اقدامات او را بررسی کند . به نیروئی که بهشتوانه حضرت ابراهیم بخاطر صداقتها و رشادتهای او قرار گرفته توجه کند ، بشناسد که چه نیروئی است ، و بسیاری مسائل از ایمن قبیل ...

سپس به این مسأله بردازد که آیا انسانهایی نظیر نمرود در این زمان هستند؟ اگر هستند در برابر آنان چه موضعی باید گرفت؟ و برای موضع گیری چه تدارکات و اقداماتی لازم است و بنگرد که اگر انسان کاری ابراهیمی نکرد آبابه مسئولیت و وظیفه خود عمل کرده؟ و در اینصورت آیا در جرگه نمرودیان قرار خواهد گرفت؟ برای توسعه تفکر و اخذ عبرت از تاریخ و در نتیجه طرح ریزی یک برنامه برای عمل ، عاقبت مفسدان را درباره فرعون ابوسفیان ، ابولهب و مردانی نظائر آنها ، و زنانی نظیر زن نوح و لوط باید مطالعه نمود



بقیه از صفحه ۲ 

پس از فراگرفتن این عادت باید ویرا ادب آموخت - داستانهای اخلاقی و اشعار دلکش را بدو داد تا او حفظ کند و ویرا در کردار خوب ممد باشد. اشعار عاشقانه و فساد انگیز را نباید با او آموخت. هرگاه طفل کار بد کند نباید بروی خود آورد مخصوصاً "اگر آنرا پنهان کند و چنانچه تکرار کرد باید در خلوتش سرزنش کرد و و کردار بد را در نظر او بزرگ مجسم ساخت. در سرزنش نباید مبالغه کرد ورنه کودک بی شرم شود. مطالب دیگری که ابوعلی مسکویه در این کتاب اظهار کرده راجع است به خوردن و آشامیدن و آداب که کودک باید رعایت کند، مقدار خواب و سختی و زبری رختخواب و اعتیاد بسرما در زمستان و گرما در تابستان و معتاد نساختن طفل بنرمی و آسایش، واداشتن او بحرکت و سواری و گشتی وجست و خیز و بازی، مراعات رسوم و آداب معاشرت و راستگویی و خوشروئی و خدمت و احترام نسبت بپدر و مادر و معلم و بزرگتران، بکار نبردن سو کند و ناسزا در محاوره، تحمل چوب استاد و خوشرفتاری نسبت بکودکان دیگر و خوار شمردن زر و سیم. ابوعلی مسکویه معتقد است که منظور از جمع آوری خواسته و خانه و ملک آنست که انسان تندرست باشد و بیمار نشود و نعمتهای خدا را بگوارائی صرف کند و آماده نعمتهای دائمی در آخرت باشد و لذتهای بدنی را لذت نشمارد و نادانی و تنبلی را از خود دور سازد و نشاط و پاکیزگی را در پیش گیرد.



نیرداخته، آیا اینطور انسانی از توانائی قلب درست بهره گرفته؟

مواردی در قرآن کریم است که گفته شده اعراض کنید، با کسانی که کافر، یهودی و مسیحی اند طرح دوستی نریزید. به ظالمان کمترین تمایل نشان ندهید، کم ندهید. هر کدام از این دستورات مستلزم دانائی و شناسائی است.

دستوراتی است که کلیت دارند، مثلاً "در غفلت ننماید، با غافلان همترازی نکنید پیروی هوا نکنید، تابع شیطان نشوید، در زمین جاودانگی نجوئید، راه مفسدان را نگیرید... اجرای هر کدام از اینها لازمه اش اینست که انسان قوای ادراکی و قلب و فهم خود را که همان (فواد) است و مسئول است، نیکو بکار گیرد.

(۱) تفسیر المیزان جلد ۲۵ صفحه ۱۶۱
 (۲) بسیاری از شاغلان در وزارتخانه ها و ادارات درسی را که خوانده و تخصصی را که حاصل کرده اند با شعلی که انتخاب نموده اند هم آهنگ نیست. مثلاً "مهندس برق در کربار آسفالت، مهندس مکانیک در تدریس ریاضی پزشک در کارخانه سنگ بری، افسر ترابری در منطقه سربازگیری، معلم علوم تربیتی در تدریس زبان یا علوم اجتماعی بگمار مشغول اند، و چه خوب بود که هر فردی بهمان کاری مشغول می شد که درس آنرا خوانده و مهارت لازم را کسب کرده.

محمد حسآموزگار